

## بررسی مبانی حقوقی و جرم شناختی نهاد تعلیق تعقیب در قانون جدید آیین دادرسی کیفری

علیرضا سایبانی<sup>۱</sup>، مهرا ن صادقی<sup>۲</sup>، صادق صادقی<sup>۳</sup>، جابر نظافت<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی گروه حقوق کیفری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران

<sup>۳</sup> دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران

<sup>۴</sup> دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران

### چکیده

معلق نمودن تعقیب کیفری یکی از موضوعات مهمی است که همواره می تواند سبب دغدغه صاحب نظران و دست اندرکاران مسائل جزایی گردد. این امر به خاطر آن است که تعقیب کیفری از یک سو با حقوق آزادی ها و از سوی دیگر با نظم و امنیت عمومی مرتبط است و اقدام نامناسب دستگاه قضایی در به تاخیر انداختن تعقیب کیفری علاوه بر اینکه منافات با حقوق بزه دیده و عدالت کیفری دارد سبب اختلال در نظم عمومی و امنیت نیز می گردد. از سوی دیگر تعقیب کیفری بلا جهت و بی فایده به روش سنتی، علاوه بر منافات با سیاست کیفری اصلاح و تربیت، حقوق و آزادی ها را به مخاطره خواهد انداخت. امروزه نظام های عدالت کیفری به دلیل ناکارآمدی مجازات های سنتی و سخت گیرانه با بهره گیری از یافته های نوین جرم شناختی توسل به واکنش های اجتماعی ارفاقی را پیش گرفته اند. که از جمله این واکنش ها تعلیق تعقیب می باشد. بی شک اعمال صحیح مقررات این نهاد می تواند نتایج مفیدی از جمله کاهش هزینه های دولت، پیشگیری از تکرار جرم، اصلاح مرتکبان جرم، کاهش جمعیت کیفری داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** تعلیق تعقیب، سیاست کیفری اصلاح و تربیت، قضا زدایی، قانون جدید آیین دادرسی کیفری.

## مقدمه

در اصطلاح حقوق کیفری تعلیق و تعویق به معنای عقب انداختن صدور حکم است.<sup>۱</sup> این اصطلاح یک اصطلاح حقوقی است که قانونگذاران معمولاً از آن استفاده می‌کنند. تعویق صدور حکم به آن معنا است که قاضی دادگاه در حین رسیدگی و پس از بررسی مدارک و دلایل موجود در پرونده و احراز نمودن مجرمیت متهم تحت یک شرایط و اوضاع و احوال خاص، صدور حکم محکومیت متهم را برای مدتی به تعویق می‌اندازد و تعلیق تعقیب به آن معناست که دادستان یا مقام قضایی میتوانند تحت شرایطی تعقیب متهم را معلق نمایند. به عبارت دیگر، ممکن است تحت اوضاع و احوال خاص، مصلحت اقتضاء کند که علی‌رغم وجود عناصر مجرمانه صدور حکم و تعقیب به تعویق افتد.

عده‌ای گفته‌اند که مبنای چنین مفادی ظاهراً به نظراتی برمی‌گردد که ما در علم جرم‌شناسی آنها را می‌شناسیم. به خصوص نظریه برچسب زنی که یکی از نظراتی است که مبنای این قاعده قرار گرفته است و چنین استدلال می‌کنند که این نظریه بستر و زمینه را برای پدید آوردن چنین نهادی آماده کرده است و برچسب زدن مجرمیت به کسانی که احساس می‌شود برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند و در عین حال جرم ارتكابی از طرف آنها اهمیت چندانی ندارد و مثلاً متنبه یا نادم و پشیمان شده‌اند، چندان صواب نیست و اگر دستگاه قضایی بخواهد این دسته از افراد را محکوم کند باید تشریفات دادرسی طولانی را در این فرآیند رعایت کند که نتیجه آن ایجاد یک سابقه محکومیت برای این فرد است.<sup>۲</sup> هر چند گاهی گفته می‌شود که جرائم کم-اهمیت نباید سابقه‌ای را برای مرتکب ایجاد کند یا به عبارت دیگر مراتب محکومیت در سجل کیفری ثبت شود.<sup>۳</sup>

با این حال این احتمال وجود دارد که به این ترتیب افراد مذکور محکوم شوند و اثر این باشد که مهر محکومیت بر پیشانی بزهکار هم چنان باقی بماند. این دسته معتقدند که این نهاد، نهاد خوبی است و به نظر می‌رسد که در محدوده قانون یک فرصتی است که به مرتکب نادم داده می‌شود تا دیگر مرتکب جرائم بعدی نشود. در ضمن نهاد تعویق صدور حکم به مثابه یک شمشیر بالای سر مجرم است که اگر بزهکار به دستورهای دادگاه توجه نکرد و مرتکب جرائم جدیدی شد، دادگاه بتواند هم-چنان که به جرم رسیدگی می‌کند به صدور حکم جدید نیز مبادرت ورزد.

در مقابل عده‌ای معتقدند، که این تأسیسها بدعتی غیر منطقی و تدبیری ناموجه است و می‌گویند: طرح دعوای کیفری مستلزم صرف وقت و هزینه و در مواردی رویارویی با مشکلات و خطرات فراوان می‌باشد و بزه‌دیده با امید به دستگاه قضایی و در جهت اعمال حقوق قانونی و با عنایت به وظایف محوله به دادگستری حل و فصل مرافعه خود را به دادگستری می‌سپارد و خود در انتظار می‌نشیند که دستگاه مذکور در حداقل زمان ممکن داد وی را بستاند و مجرم را به سزای عمل خود برساند تا ضمن ایجاد تنبه در مجرم، موجب عبرت‌انگیزی سایر بزهکاران بالقوه نیز گردد. ایجاد یاس و حرمان به هر دلیل قانونی و یا اجرایی در بزه‌دیده بسیار خطرناک و در موارد بسیاری جرم‌آفرین خواهد بود. چرا که قربانی ناامید تنها مفر را در معامله متقابل با بزهکار و یا جبران مافات با تعرض به حقوق دیگران می‌بیند، زیرا، پس از کش و قوس‌های فراوان در مراجع قضایی و انتظامی با قاعده‌ای به نام تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم، مواجه شده است و هیچ‌گونه جهت‌تنبیه مناسب و برخورد با بزهکار انجام نگرفته است. این قاعده نه تنها با حقوق بزه‌دیده بلکه با امنیت اجتماعی و عدالت کیفری و قضایی و نهایتاً با سیاست کیفری اصلاح و تربیت افراد در تضاد و تعارض خواهد بود.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> . جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، جلد دوم، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶۲

<sup>۲</sup> . حسینی، محمد، بررسی نظریه برچسب زنی با نگاه به منابع اسلامی، مجله حقوق، زمستان ۹۱، شماره ۴، ص ۱۳۲

<sup>۳</sup> قهرمانی، علی، نظرات اجتماعی و انحراف و جرم، مجله معرفت، مرداد ۸۱، ش ۵۶، ص ۸۱

<sup>۴</sup> - صادقی، مهران، تعویق صدور حکم، همایش منطقه ای آسیب شناسی قانون مجازات دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، اسفند ۹۲، ص ۱۹۸

در خصوص این قاعده سؤالاتی به ذهن خطور می‌کند:

آیا واقعاً پیش‌بینی این تأسیسها در قانون جدید مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری بدعتی غیر موجه و غیر منطقی بوده است؟ و آیا این دو قاعده با امنیت اجتماعی و حقوق بزه‌دیده منافات دارد؟ و یا اینکه، چه تعارضی بین این قاعده‌ها با عدالت کیفری و قضایی وجود دارد؟ از سوی دیگر، با توجه به اینکه امروزه تقریباً وجه مشترک تمام نظام‌های کیفری دنیا تغلیب سیاست اصلاح و تربیت بر ارباب و کیفر بزه‌کار است و همچنین تأکید مکرر مسئولان قضایی و اساتید و حقوقدانان، در تقلیل میزان زندانیان و اهتمام در استفاده حداقل از کیفر و اعمال تدبیر کیفری جایگزین به جای مجازات و اصلاح مجرمین، سؤالی که مطرح می‌شود اینکه چه تناسبی بین این دو قاعده با سیاست کیفری اصلاح و تربیت بزه‌کار وجود دارد؟

### شناخت تعلیق تعقیب در قانون جدید آیین دادرسی کیفری

امروزه قانونگذاری و تدوین قوانین کیفری تبدیل به امری بسیار حساس و تاثیر گذار در امنیت اجتماعی، حقوق بزه‌دیده، سیاست کیفری، عدالت کیفری، و حتی عدالت قضایی گردیده است. هرگاه به کشوری ناشناخته قدم گذاشته‌ای و خواستید با اندکی مطالعه دریابید که این کشور از نظر رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی در جایگاهی قرار دارد باید قبل از همه قانون آیین دادرسی کیفری آن کشور را ملاحظه کنید.

باید گفت، این آیین دادرسی کیفری است که با مهم‌ترین موازین حقوق بشری همچون حق آزادی و امنیت شخصی، حقوق دفاعی متهم، دادرسی عادلانه و حق بهره‌مندی شخص بازداشت شده سروکار دارد و از این رو یک آیین دادرسی کیفری مترقی تا حد بسیار زیادی می‌تواند منجر به تأمین حقوق بشری شهروندان یک کشور گردد.

در این میان مقررات جدید آیین دادرسی کیفری ایران توانسته است بسیاری از نواقص مقررات قبلی را رفع کند و زمینه‌های تحقق عدالت کیفری را فراهم کند که بی‌شک یکی از مهمترین دستاوردهای قانون جدید آیین دادرسی کیفری جدید را می‌توان پیش‌بینی نهاد تعلیق تعقیب در ماه ۸۱ این قانون ذکر نمود.

اگر بخواهیم نگاهی گذرا به پیشینه تاریخی این نهاد داشته باشیم باید گفت، نهاد تعلیق از جمله نهادهایی است که ابتدأ در جرم‌شناسی به موجب پیشنهاد مکتب تحقیقی مطرح شد و به تدریج وارد حقوق کیفری گردید.<sup>۱</sup>

قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ فرانسه در قبول یا رد این نهاد ساکت بود. ولی دکترین و رویه قضایی آن کشور به اختیار دادسرا در اعمال مقررات نهاد تعقیب نظر داشتند تا اینکه قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۹۵۸ در بند اول ماده ۴۰ به اختلاف‌ها پایان داد و مقرر داشت «دادستان جمهوری با وصول شکایات و اعلام جرم‌ها، تعقیب کیفری را مورد سنجش قرار می‌دهد».<sup>۲</sup>

حقوق ایران نیز با اقتباس از حقوق فرانسه در سال ۱۹۷۳ میلادی و در بهمن ماه ۱۳۵۲ هجری شمسی نهاد تعلیق تعقیب را پذیرفت و در قالب ماده ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی در آمد. در سال ۱۳۵۶ با توجه به برخی دشواریها ماده ۴۰ مکرر قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ ماده ۴۰ مکرر را اصلاح شد.

<sup>۱</sup> مهر، نسرین، تحولات کیفری در پرتو مکاتب کیفری، مجله مطالعات حقوقی، زمستان ۸۸، ش ۱، ص ۱۸.

<sup>۲</sup> جودیت ساترلند، ولیم بوردن، اصلاح آیین دادرسی فرانسه، ترجمه روح اله الهی، مجله قضاوت، دی و بهمن ۸۸، ش ۶۱، ص ۳۷.

نهایتاً در ماده ۸۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری قانونگذار با تغییراتی نهاد تعلیق تعقیب را در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق است را پذیرفت.

### شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب از منظر قانون جدید آیین دادرسی کیفری :

در اکثر کشورهای دنیا دادستان به عنوان رئیس دادرسی عهده دار تعقیب بزهکاران می باشد این وظیفه بسیار خطیر و مهم است. چرا که تعقیب بزهکاران سبب حرکت در آمدن چرخ های عدالت کیفری علی الخصوص در جرائم عمدی می گردد. اصل بر این است که دادستان به محض اطلاع از وقوع جرم شخصاً دعوی عمومی را تعقیب یا با ارجاع امر به بازپرس دستور تعقیب امر جزایی را صادر کند. تکلیف و الزام دادستان به تعقیب امر جزایی تحت عنوان قاعده قانونی بودن تعقیب شناخته می شود.<sup>۱</sup>

بر اساس این سیستم به جریان انداختن تعقیب و اقامه دعوی عمومی علیه مجرم از هر درجه ای که باشد مطلقاً به میل و اراده دادستان گذاشته نشده است بلکه دادستان به نمایندگی از جامعه در صورت وقوع جرم و وجود دلایل علیه بزهکار، ملزم به تعقیب امر کیفری است از آنجا که دادستان صاحب حق تعقیب محسوب نمی شود، بلکه فقط موظف به اعمال آن است. به این ترتیب اختیارش محدود است و نمی تواند مثل شاکی خصوصی با صلح و سازش از تعقیب کیفری متهم انصراف دهد.

در کشور ایران تعقیبی که از طرف دادستان شروع شده باشد جزء به موجب قانون متوقف نمی شود. با وجود این در ماده ۸۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری تحت شرایط دادستان و مقام قضائی می تواند تعقیب را به تاخیر اندازد یا متوقف نماید.

این شرایط عبارت اند از :

#### الف) جرم ارتكابی از نوع تعزیر باشد:

باید گفت جرم ارتكابی نباید از نوع حد، قصاص دیات باشد.

در جرائم موجب حد وفق ماده ۲۱۹ قانون جدید مجازات اسلامی دادگاه یا مراجع قضایی به هیچ وجه نمی تواند کیفیت و نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهند یا اینکه آن را تبدیل یا ساقط نماید. چرا که این مجازاتها صرفاً از طریق توبه و عفو قابل اسقاط یا تبدیل یا تقلیل می باشند.

در جرائم مستوجب قصاص نیز به صراحت ماده ۳۴۷ قانون جدید مجازات اسلامی، صاحب حق قصاص می تواند در هر مرحله تعقیب، رسیدگی یا اجرایی مجازات به طور مجانی یا با مصالحه در برابر اخذ حق یا مال گذشت کند. لذا در خصوص جرائم قصاصی همانند دیات صدور قرار تعلیق تعقیب منتفی است زیرا از جمله شرایط اساسی برای صدور قرار تعلیق صدور حکم وفق ماده ۸۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری فقدان شاکی یا در صورت وجود گذشت آن می باشد، بدیهی است که قصاص و دیات از جمله حق الناس اند و قابل گذشت هستند و پس از گذشت شاکی اجرای قصاص و دیات منتفی است.

#### ب) جرم ارتكابی درجه شش و هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق اند باشد:

در ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ یکی از شرایط صدور تعلیق تعقیب را نوع جرم ارتكابی از درجه جنحه ذکر کرده بود. لازم به ذکر است که مجازات ها در سابق به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می شدند.

<sup>۱</sup> امامی، محمد، مصلحت گرایی در دادرسی جزایی، مجله دادگستری، تابستان ۷۷، ش ۲۳، ص ۵۹

جنحه جرائمی بود که دادستان صلاحیت انجام تحقیقات مقدماتی آن در صلاحیت باز پرس بود و همچنین خلاف که مستقیماً در دادگاه مطرح می شوند.<sup>۱</sup>

باید گفت هم اکنون با تقسیم بندی جرائم و درجه بندی آن طبق ماده ۱۹ قانون جدید مجازات اسلامی مجازتهای تعزیری به ۸ درجه تقسیم شده اند و در حال حاضر تقسیم بندی مجازتها به جنایت، جنحه و خلاف منسوخ گردیده اند.

البته باید توجه نمود علاوه بر اینکه جرم باید تعزیری باشد و از نوع درجه شش، هفت، هشت باشد جرم ارتكابی می بایست قابل تعلیق نیز باشند برای شناخت اینکه چه جرائمی قابل تعلیق اند می بایست فصل ششم از بخش اول قانون مجازات اسلامی جدید مراجعه نمود. در این فصل در ماه ۴۷ ارتكاب برخی از جرائم و شروع به آنها را از دایره شمول تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم مستثناء نموده است. این جرائم عبارت از:

۱- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تاسیسات آب، برق، گاز، نفت، مخابرات

۲- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون آزار، آدم ربایی، اسید پاشی

۳- قدرت نمایی با چاقو ایجاد مزاحمت با چاقو و هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

۴- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان گردان، مشروبات و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

۵- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افسار فی الارض

۶- جرائم اقتصادی با موضوع بیش از یکصد میلیون ریال

لذا دادستان و مقام قضائی می بایست در زمان صدور قرار تعلق تعقیب به نوع جرم ارتكاب نیز توجه داشته باشد.

**پ: شاکی وجود نداشته باشد یا گذشت کرده باشد یا خسارت وارده جبران شده باشد.**

در حقوق کیفری ایران جرم به دو دسته تقسیم می شود (جرم قابل گذشت و غیر قابل گذشت)

جرائم قابل گذشت در ماده ۱۰۴ قانون جدید مجازات اسلامی پیش بینی شده اند و وفق ماده ۱۰۳ همان قانون چنانچه جرمی در قانون قابل گذشت نباشد غیر قابل گذشت محسوب خواهد شد مگر آنکه از حق الناس باشد یا شرعاً قابل گذشت باشد.

بی شک در صورت وجود شاکی خصوصی یکی از شرایط صدور قرار تعلق تعقیب گذشت شاکی خصوصی یا جبران خسارات وارده به شاکی یا توافق بر جبران خسارت می باشد اما باید بیان نمود که صدور قرار تعلق تعقیب صرفاً در جرائم غیر قابل گذشت مصداق پیدا می کند چرا که وفق بند ۱ ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی جرائم قابل گذشت جرائمی می باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات منوط به شکایت شاکی و مدعی خصوصی و عدم گذشت وی می باشد. لذا با گذشت شاکی و مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت عملاً مجوز قانونی برای تعقیب متهم از بین می رود.

<sup>۱</sup> فاضل سرجویی، وجیه اله، بزه و بزهکار، مجله حقوقی، آبان ۱۳۱۸، ش ۱۲۹، ص ۱۱۶۵

### ت: فقدان سابقه محکومیت موثر:

در حال حاضر با وجود تبصره ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، محکومیت موثر محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم بر اساس ماده ۲۵ آن قانون از حقوق اجتماعی محروم می کند. لذا با توجه به این تبصره، ماده واحد مربوط به تعریف محکومیت های مؤثر در قوانین جزائی مصوب ۱۳۶۷/۷/۲۶ و اصلاح آن در سال ۱۳۸۲ نسخ گردیده است.

### ث: مقام صالح صادر کننده قرار و نقش متهم در صدور قرار:

مرجع صدور قرار تعلیق وفق ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری دادستان است. البته بازپرس نیز می تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات قانونی تعلیق تعقیب را از دادستان درخواست نماید. شایان ذکر است وفق تبصره ۵ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود، دادگاه نیز می تواند مقررات مربوط به تعلیق تعقیب را اعمال نماید.

نکته قابل توجه این است که با بررسی مقررات مربوط به تعلیق تعقیب به خوبی مشخص می شود که دادستان و مقام قضایی هر چند با وجود شرایط مذکور در بند الف تا ث فوق الذکر، امکان صدور این قرار را بدون رضایت متهم نخواهد داشت. بی شک یکی دیگر از دستاوردهای مثبت قانون جدید آیین دادرسی کیفری همین موضوع خواهد بود چرا که این اقدام قانونگذار نشان دهنده رعایت حقوق متهم می باشد.

بنابراین مقام قضایی و دادستان صرفاً پس از اخذ موافقت متهم و احراز سایر شرایط مربوط به این نهاد می تواند تعقیب متهم را از ۶ ماه تا ۲ سال معلق نماید. بدیهی است وجود کلیه شرایط باید توأمان وجود داشته باشد به عبارت بهتر و از لحاظ علم اصول فقه این شرایط عام مجموعی اند «المركب ینتفی بانتهاء احد اجزائه» فقدان هر یک از آنها مانع صدور قرار تعلیق تعقیب خواهد شد.<sup>۱</sup>

### آثار نهاد تعلیق تعقیب

در صورت صدور قرار تعلیق تعقیب دادستان یا مقام قضایی مکلف است متهم را به رعایت اجرای برخی از دستورات در تبصره های ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف نماید. باید گفت، در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد. و تعقیب وی نیز منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا اینکه دستورهای مقام قضایی را اجرا نکند قرار تعلیق تعقیب صادره ملغی می گردد و با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم تعقیب به عمل می آید و مدتی که تعلیق نیز معلق بوده است از دایره مشمول مرور زمان کیفری مستثنی خواهد بود.

البته لازم به ذکر است چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد دادگاه قرار تعلیق را ابقاء می کند البته پس از صدور قرار تعلیق تعقیب این قرار در دفتر مخصوص واحد سجل کیفری نیز ثبت می شود. و در صورتی که متهم در مدت مقرر ترتیبات مندرج در قرار صادره را رعایت نکند، تعلیق لغو می شود. البته هر گاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت مؤثر است قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادر کننده لغو و تعقیب از سرگرفته می شود.

<sup>۱</sup> . بجنوردی، موسی، عام و خاص و مطلق و مقید، مجله مطالعات حقوقی و قضایی، تابستان ۱۳۵۶، ش ۶، ص ۱۷

## شناخت تعویق صدور حکم در قانون جدید مجازات اسلامی

تعویق صدور حکم به آن معنا است که قاضی دادگاه در حین رسیدگی و پس از بررسی مدارک و دلایل موجود در پرونده و احراز نمودن مجرمیت متهم تحت یک شرایط و اوضاع و احوال خاص، صدور حکم محکومیت متهم را برای مدتی به تعویق می‌اندازد.

به عبارت دیگر، ممکن است تحت اوضاع و احوال خاص، مصلحت اقتضاء کند که علی‌رغم وجود عناصر مجرمانه صدور حکم به تعویق افتد. در علم حقوق کیفری از واژه تعویق در مواقع کاهش جرم و مجازات استفاده می‌شود و قانونگذاران در اکثر مواقع سعی می‌کنند با استفاده از این اصطلاح صدور حکم را تحت یک شرایط خاصی در قالب تخفیف برای مجرم در نظر بگیرند.

همان طوری که می‌دانیم، تعویق صدور حکم بر خلاف تعلیق اجرای مجازات و سایر نهاد های جایگزین حبس در قوانین ما دارای سابقه ای طولانی نمی‌باشد، ولیکن یکی از شباهت هایی که میان تعلیق اجرای مجازات<sup>۱</sup> در قانون مجازات اسلامی فعلی ما و تعویق صدور حکم وجود دارد، به این صورت است که تعلیق اجرای مجازات هم به صورت تعلیق ساده و مراقبتی پیش بینی شده و تعویق صدور حکم نیز به دو نوع تعویق ساده و تعویق مراقبتی بیان گردیده که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

### تعویق ساده

در تعویق ساده، طی مدتی که متهم جرمش اثبات گردیده (ولی محکوم نشده است)، مرتکب لازم نیست که هیچ گونه اقدام مراقبتی و تدبیر مقرر شده بوسیله دادگاه را انجام دهد و فقط کتباً متعهد می‌شود که در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه مرتکب جرم جدیدی نگردد. پس از این تعهد کتبی دادگاه صدور حکم وی را با صدور قرار تعویق به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق می‌اندازد.

در قانون جدید مجازات عبارتی وجود دارد که بسیار مبهم می‌باشد و دارای ایراداتی نیز هست و آن عبارت «و از نحوه رفتار وی پیش بینی گردد که در آینده نیز مرتکب جرم نخواهد شد» می‌باشد. مطمئناً تشخیص اینکه فرد در آینده مرتکب جرم نخواهد شد، دادگاه صادر کننده قرار تعویق می‌باشد، ولی سوالی که در اینجا پیش می‌آید، این است که دادگاه با چه معیاری باید عدم ارتکاب جرم را پیش بینی کند؟ شاید منظور از این جمله، نحوه رفتار شخص نزد قاضی می‌باشد که قاضی با توجه به اظهار ندامت توسط فرد یا کارهایی که در راستای جبران انجام جرم می‌دهد، مانند ترک اعتیاد، جلب رضایت شاکی یا مدعی خصوصی و ... پیش بینی عدم ارتکاب جرم را در آینده بنماید.

هر چند این جمله اختیارات قاضی را جهت اعمال اصل شخصی بودن مجازات افزایش می‌دهد، ولیکن از طرفی ممکن است باعث سوء استفاده توسط متهمان گردد. به هر حال باید معیار پیش بینی عدم ارتکاب جرم، توسط قانون گذار مشخص می‌شد.

### تعویق مراقبتی

در تعویق مراقبتی، در مدتی که صدور حکم محکومیت فرد (شش ماه تا دو سال) به تعویق افتاده است، فرد ملزم به رعایت دستورات و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه در مدت تعویق می‌باشد. در مورد تدابیر و دستوراتی که توسط دادگاه تعیین می‌

<sup>۱</sup> ماده ۴۶ به بعد قانون جدید مجازات اسلامی

گردد، باید گفت که در قانون مجازات اسلامی دو نوع دستورات و تدابیر وجود دارد: اول تدابیری که شخصی که صدور حکم محکومیت وی به تعویق افتاده است، ملزم به تبعیت از آنهاست.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، دادگاه مکلف است که فرد را ملزم به رعایت این تدابیر نماید و دسته دوم دستوراتی که دادگاه اختیار دارد فرد را به انجام آنها ملزم نماید.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، دادگاه صادر کننده قرار می تواند تحت شرایطی فرد را به رعایت یک یا چند دستور ملزم نماید و هیچ گونه تکلیفی در این خصوص ندارد.

### مبانی حقوقی و جرمشناختی نهاد تعلیق تعقیب در قانون جدید آیین دادرسی کیفری و تعویق صدور حکم در قانون جدید مجازات اسلامی

پس از شناخت نهاد تعلیق تعقیب و نهاد تعویق صدور حکم ما به دنبال پاسخ به این پرسش ها هستیم که آیا واقعاً پیش بینی این تأسیسات در قانون جدید مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری بدعتی غیر موجه و غیر منطقی بوده است؟ از سوی دیگر، با توجه به اینکه امروزه تقریباً وجه مشترک تمام نظام های کیفری دنیا تغلیب سیاست اصلاح و تربیت بر ارباب و کیفر بزهکار است و همچنین تأکید مکرر مسئولان قضایی و اساتید و حقوقدانان، در تقلیل میزان زندانیان و اهتمام در استفاده حداقل از کیفر و اعمال تدبیر کیفری جایگزین به جای مجازات و اصلاح مجرمین، سؤالی که مطرح می شود اینکه چه تناسبی بین این دو قاعده با سیاست کیفری اصلاح و تربیت بزهکار وجود دارد؟ پاسخ این پرسش ها در بررسی و شناخت مطالب زیر می باشد:

الف- مصالح فردی: مصالح فردی عبارت است از؛ خواسته ها و نیازها است که به طور مستقیم زندگی فردی را احاطه کرده و به نام ضرورت های زندگی مطالبه می شود.<sup>۳</sup> مصالح فردی هم ناظر به بزه دیده و هم ناظر به بزه کار است. مصالح فردی می تواند مربوط به شخصیت انسان ها، مصالح مالی، مصالح مربوط به روابط خانوادگی و غیره باشد. درصد زیادی از تصمیم به تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم در پرونده های کیفری ممکن است به لحاظ شخصیت انسان ها باشد که خود از مصالح فردی محسوب می شود. تامین مصالح فردی در تعقیب و صدور حکم کیفری می تواند به فردی کردن تعقیب و مجازات بینجامد.<sup>۴</sup>

ب- مصالح عمومی: مصالح عمومی در واقع مربوط به منافع دولت است. عدم صدور حکم نسبت به مرتکبان به لحاظ مصلحت می تواند منافع دولت در بسیاری موارد را تامین نماید. چنانچه براساس بینش مجرد حقوقی بخواهیم به فرآیند دادرسی و صدور حکم کیفری بنگریم، نتیجه این می شود که ارتکاب هر جرمی مساوی است با مجازات مجرم. اعمال مجازات در سطح گسترده نیاز به تاسیسات مختلف از جمله زندان، دادگستری، مرجع انتظامی، نیروی انسانی بیشتر، توسعه سازمان عدالت کیفری و غیره دارد. معلق شدن صدور حکم یا تعقیب مرتکبین در بسیاری موارد منافع دولت در زمینه اقتصاد را فراهم می سازد. همچنین منافع سیاسی دولت ایجاب می نماید که آمار ارتکاب جرم در کشور پایین باشد.

در کشوری که آمار مجازات مجرمین و زندانیان آن بالا باشد چه بسا زمینه های تضعیف آن کشور را در عرصه قانون گذاری و قضایی فراهم سازد.<sup>۵</sup> لذا این نتیجه حاصل می شود که مصالح عمومی در کنار مصالح فردی مبنایی واقع می شوند تا قانون گذار نهاد هایی مانند تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم را در قانون جدید مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش بینی نماید.

<sup>۱</sup>. ماده ۴۲ قانون جدید مجازات اسلامی

<sup>۲</sup>. ماده ۴۳ قانون جدید مجازات اسلامی

<sup>۳</sup> حسینی، سیدعلی، نظریه مصلحت از دیدگاه امام خمینی ره، مجله اندیشه صادق، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۵، ص ۱۵۳

<sup>۴</sup>. اجلالی، پرویز، نگاهی به مشکلات آمار جنایی ایران، مجله جامعه شناسی ایران، تابستان ۱۳۸۱، ش ۱۴، ص ۱۲۱

<sup>۵</sup>. صادقی، مهران، مرور زمان در قانون جدید مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد بندر عباس، ۱۳۹۱، ص ۴۱



پ- عنصر طریقت؛ طریقت داشتن قانون به معنای وسیله بودن قانون است که از مبانی فلسفی تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم محسوب می شود. طریقت داشتن قانون، در مقابل موضوعیت داشتن آن است و به این معناست که قانون وسیله ای برای نیل به هدفی بیرون از خود در نظر گرفته می شود. طریقت داشتن قانون با هدفمند بودن آن ملازم است. قانون گذار نهاد تعویق صدور حکم را در قانون جدید مجازات اسلامی پیش بینی می کند تا این هدف را دنبال کند که تعویق در صدور حکم طریقی است که میتواند اهداف قانون گذار را در بسیاری موارد نظیر اصلاح مجرمین و پیشگیری از تکرار مجرم، قضا زدایی، کیفر زدایی و غیره فراهم سازد. در اینجا نهاد تعویق صدور حکم موضوعیت ندارد تا قاضی اجبارا در بعضی موارد آن را اعمال نماید؛ بلکه موضوعیت دارد تا قاضی بتواند در موارد خاصی با اعمال آن اهداف قانون در مرحله اجرا را محقق سازد.

هدفمند بودن قانون نیز در دو مرحله قابل بررسی است: یک) در مرحله تقنین، دو) در مرحله اجرا. بدیهی است نسبت به هدفمند بودن قانون در مرحله تقنین اتفاق نظر وجود دارد. زیرا تقنین، چهارچوب بندی ارزش ها و هنجارها و مصالح کلی جامعه است. قوانین به منظور تامین ارزش ها و هنجارهای جامعه، به مثابه ابزاری برای تحقق آن اهداف تدوین می شوند؛ اما در خصوص هدفمند اجرا شدن قوانین اختلاف نظر وجود دارد. آیا مقام قضایی می توان قانون را با توجه به هدف مورد نظر آن، به اجرا گذارد؟ و چنان چه تشخیص دهد قانون در موردی هدف خود را تامین نمی نماید، از اجرای آن سرباز زند؟ آیا مقام قضایی در اجرا و شیوه اجرا از اختیار برخوردار است؟<sup>۱</sup>

چنانچه قائل شویم در مرحله اجرا نیز قانون باید هدفمند اجرا گردد، طریقت داشتن قانون یا اقتضاگرایی قانون در مرحله اجرا را پذیرفته ایم. اما چنانچه قائل شویم که قاضی مجری چشم و گوش بسته قانون است و در اجرای قانون توجه به اهداف مطرح نمی باشد و لحاظ نمودن اهداف، شان تقنین است نه شان مجری، در این صورت طریقت داشتن قانون و غایت گرایی آن در مرحله اجرا مورد پذیرش قرار نگرفته است.<sup>۲</sup> با این اوصاف، قانون گذار نهاد تعویق صدور حکم را در قانون جدید مجازات و نهاد تعلیق تعقیب را در آیین دادرسی کیفری پیش بینی نموده است تا بر مبنای طریقت داشتن آن، قاضی بتواند در مرحله اجرا، آن را وسیله ای برای تحقق اهداف قانون گذار در موارد خاص قرار دهد. قانونگذار در بسیاری موارد سیاست تخفیف را در نظر گرفته است. پیش بینی این دو نهاد و اختیار اعمال آن در موارد خاصی به دست دادستان و قاضی، این نهاد را طریقی برای نیل به سیاست تخفیف قرار می دهد.<sup>۳</sup>

همان گونه که توضیح داده شد، موضوعیت داشتن قانون، نقطه مقابل طریقت داشتن آن محسوب می شود. موضوعیت، بر سه پیش فرض اساسی استوار است که عبارتند از: تعیین قواعد حقوقی و قانون؛ شیوه استدلال ریاضی و تخلف ناپذیر؛ عدم مداخله شخصیت، وجدان و ذهنیات قاضی در فرآیند تطبیق قانون بر موضوع. در حالی که طریقت داشتن قانون ناظر به ابطال پیش فرض های موضوعیت داشتن قانون است زیرا در طریقت داشتن قانون، ذهنیت، شخصیت و آرمان قاضی در فرآیند استنباط از قوانین بسیار موثر است. همچنین با توجه به تحولات روز افزون جوامع و با عنایت به پیچیدگی های روابط انسانی، استفاده از منطق ریاضی و استدلال قیاسی در حل و فصل مناسبات انسانی و مدیریت روابط اجتماعی کارساز نمی باشد؛ بلکه منطقی منعطف و تحول پذیر متناسب با شرایط، برای حل و فصل اختلافات انسانی مورد نیاز است.<sup>۴</sup> با توجه به توضیحات بالا، می توان گفت که عنصر طریقت یکی دیگر از مبانی فلسفی تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم محسوب می شود. زیرا با بررسی فلسفه

<sup>۱</sup> گودرزی، محمد رضا، مطالعه جایگزین های حبس با اهداف حبس زدایی، مجله اصلاح و تربیت، مهر ۱۳۸۴، ش ۴۳، ص ۳۳

<sup>۲</sup> شیدائیان، مهدی، تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسلام، رساله دکتری دانشگاه تهران

پردیس قم، سال ۸۸، ص ۱۴۲

<sup>۳</sup> مقدسی، محمد باقر، ویژگی های سیاست کیفری عوام گرا، مجله حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ش ۲، ص ۱۴۰

<sup>۴</sup> همان ص ۱۴۲

پیش بینی نهاد این دو نهاد متوجه می شویم که قانون گذار به دنبال لزوم حاکمیت منطقی انعطاف پذیر در تصمیم گیری قضایی و تاثیر دادن ذهنیت، شخصیت و ارمان قاضی در فرآیند استنباط از قوانین بوده است. به این دلایل است که می گوئیم اعمال تعویق صدور حکم موضوعیت ندارد بلکه صدور آن بر مبنای طریقت قانون است. بی شک قوانین و سابقه ای که در دادگاه ها در آینده به وجود می آورند در تصمیم قاضی و پیش بینی اینکه تصمیم او چه خواهد بود موثر است؛ ولی در پی پرده های قوانین، قاضی است که به عنوان یک انسان تصمیم می گیرد و عوامل گوناگون روانی و اجتماعی، تصمیم نهایی را به او تلقین می کنند. تصمیمی که به عنوان " رای " از دادگاه صادر می شود، بازتابی از آثار گوناگون همین عوامل است.<sup>۱</sup>

بنابراین، تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم با دیدگاه طریقت داشتن قوانین سازگار و مبتنی بر آن است. زیرا در دیدگاه طریقت، قانون هدف نیست؛ بلکه برای غایت و منظوری بیرون از خود تعبیه شده است که آن غایت بیرونی ممکن است عدالت یا مصلحت یا غیر آن باشد. طریقت مطرح در تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم، طریقت نوع دوم است؛ زیرا در این دو نهاد، قانون وسیله و طریق برای نیل به مصلحت های اجتماعی است.

### نتیجه گیری

قانون گذار ایران در ماده ۸۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری و در مقررات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نهاد تعویق صدور حکم را مورد پذیرش قرار داده است. باید بیان شود که علی رغم شباهت هایی که بین نهاد تعلیق تعقیب با نهاد تعویق صدور حکم وجود دارد از جهاتی نیز با هم متفاوت هستند. همانگونه که بیان شد تعویق صدور حکم زمانی است که متهمی پس از صدور کیفر خواست و مطرح شدن پرونده در دادگاه و احراز مجرمیت متهم اگر شرایطی که در قانون موجود است وجود داشته باشد، دادگاه صدور حکم مجرمیت را به تاخیر می اندازد. شاید مهمترین تفاوت بین این دو نهاد در مقام صادر کننده و مرحله صدور می باشد. چرا که در تعلیق تعقیب مقام صادر کننده قرار غالباً دادستان است و بیشتر در مرحله دادرسی انجام می شود و پرونده هنوز در مرحله تحقیقات مقدماتی می باشد و تحقیقات نیز به صورت کامل انجام نشده است و دادستان تعقیب متهم را ضروری نمی داند و مبادرت به صدور قرار تعلیق تعقیب می نماید. اما در تعویق صدور حکم، تحقیقات مقدماتی در مرحله دادرسی توسط دادستان انجام شده است و کیفر خواست نیز صادر شده است و دادگاه نیز با تشکیل جلسه و ارزیابی ادله و سپس احراز مجرمیت متهم صدور حکم را به تاخیر می اندازد. مطمئناً استفاده از این دو نهاد در حقوق کیفری ایران با توجه به اهداف خاصی صورت می پذیرد، می توان موضوعاتی مانند پیش گیری از وقوع جرم، اصلاح بزهکار را از جمله اهداف این دو نهاد در نظام حقوقی ایران محسوب نمود، تعویق صدور حکم می تواند به دو شیوه تعویق ساده و یا مراقبتی اعمال شود در تعویق مراقبتی قانون گذار برخی تعهدات اجباری و برخی التزامات اختیاری را برای بزهکار مقرر داشته است، عمده این التزامات با هدف اصلاح شخصیت بزهکار و یا جلوگیری از حضور دوباره ایشان در محیط مجرمانه صورت می پذیرند، نهاد تعویق صدور حکم را می توان از جلوه های پایبندی به عدالت ترمیمی در حقوق جزای ایران دانست، توضیح اینکه از دیگر اهداف مورد نظر هر نظام عدالت کیفری اصلاح بزهکاران است، ارتکاب جرایم معمولاً در راستای ارضای نیازهای بزهکاران صورت می گیرد و برای جلوگیری از انجام این پدیده باید عوامل جرم زا را شناخت و سعی در خنثی سازی آنها داشت، در این میان طرد مجرمین از جامعه نه تنها در بازسازی روحی و معنوی آنان کمکی نمی نماید بلکه عاملی جهت انحراف بیشتر آنان است، از جمله معایب اساس سیستم عدالت کیفری سنتی این است که بزهکار پس از عبور از صافی های دستگاه عدالت کیفری، انگ مجرمانه خورده و با برچسب خوری به علت کارکرد و آثار روانی برچسب زنی پس از ورود به جامعه از طرف جامعه طرد شده و به حاشیه جامعه رانده می شود و سپس به علت اینکه بزهکار شخصیت بزهکارانه خویش را مورد قبول قرار داده است و آن را ویژگی شخصیتی خود تصور می نماید، نقش آفرینی خود به عنوان یک مجرم و بزهکار (چیزی که خود باور نموده و جامعه آن

<sup>۱</sup> فراصت، جعفر، بررسی مبانی و آثار جرم شناختی تعلیق تعقیب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۹۰، ص ۲۴

را به وی القا نموده است) ادامه می دهد، این در حالی است که در نظام عدالت کیفری ترمیمی بیشتر بر اصلاح مجرم و جلوگیری از الصاق برچسب بزهکاری بر ایشان تاکید می شود به عبارت دیگر اگر بتوان بزهکاران را به جای اینکه به زندان که به عقیده بسیاری از جرم شناسان مرجع آموزش عالی بزهکاری تلقی می شود رهنمون کرد با استفاده از روش هایی مانند نهاد تعلیق تعقیب و تعویق صدور حکم در جامعه نگه داشت ضمن اینکه نسبت به اصلاح رفتارهای بزهکارانه ایشان اقدام نمودیم علاوه بر اینکه این اقدامات موافق مصالح فردی و عمومی می باشد کمتر شاهد این هستیم که مجرم با آموزش جرایم بیشتر و پذیرش برچسب مجرمانه و انگی که به او زده اند روانه جامعه گردند.

## منابع

۱. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه، جلد ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۶۸.
۲. ابن منظور، مصری، لسان العرب، جلد ۴، دار الفکر، چاپ ششم، قم، ۱۴۱۷.
۳. ابو زهره، محمد، الجریمة و العقوبه فی الفقه الاسلامی، انتشارات دار الفکر العربی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۷.
۴. اجلالی، پرویز، نگاهی به مشکلات آمار جنایی ایران، مجله جامعه شناسی ایران، تابستان ۱۳۸۱، ش ۱۴.
۵. امامی، محمد، مصلحت گرایی در دادرسی جزایی، مجله دادگستری، تابستان ۷۷، ش ۲۳.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، جلد دوم، ۱۳۸۸.
۷. جودیت ساترلند، ولیام بوردن، اصلاح آیین دادرسی فرانسه، ترجمه روح اله الهی، مجله قضاوت، دی و بهمن ۸۸، ش ۶۱.
۸. حسینی، سیدعلی، «نظریه مصلحت از دیدگاه امام خمینی ره، مجله اندیشه صادق، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۵.
۹. ژان ایولاسان، جایگزین های سالب آزادی و برآورد ترازنامه اجرایی آن در حقوق فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱، ۱۳۷۹.
۱۰. شیدائیان، مهدی، تحلیل اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسلام، رساله دکتری دانشگاه تهران پردیس قم، سال ۸۸.
۱۱. صادقی، مهران، مرور زمان در قانون جدید مجازات اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد بندر عباس، ۱۳۹۱.
۱۲. فاضل سرجویی، وجیه اله، بزه و بزهکار، مجله حقوقی، آبان ۱۳۱۸، ش ۱۲۹.
۱۳. فرصت، جعفر، مبانی و آثار جرم شناختی تعلیق تعقیب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
۱۴. فروتن، مصطفی، تعلیق تعقیب القاء آن، مجله کانون وکلاء، زمستان ۸۸، شماره ۲۰۷.
۱۵. قاسمی مقدم، حسن، ارزیابی اثر بخشی مجازاتهای اجتماع محور در ایران، انگلستان، آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵.
۱۶. قهرمانی، علی، نظارت اجتماعی و انحراف و جرم، مجله معرفت، مرداد ۸۱، ش ۵۶.
۱۷. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران؛ جنگل، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
۱۸. گودرزی، محمد رضا، مطالعه جایگزین های حبس با اهداف حبس زدایی، مجله اصلاح و تربیت، مهر ۱۳۸۴، ش ۴۳.
۱۹. مدنی، جلال الدین، آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲، تهران: پایدار، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین یک جلدی، تهران: گلی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۲۱. مقدسی، محمد باقر، ویژگی های سیاست کیفری عوام گرا، مجله حقوق تطبیقی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ش ۲.

۲۲. مهرا، نسرين، تحولات کیفری در پرتو مکاتب کیفری، مجله مطالعات حقوقی، زمستان ۸۸، ش ۱.
۲۳. مهرپور حسین، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، ج ۱، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
۲۴. مؤذن زادگان، حسنعلی، کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش های اجتماعی علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، چ ۲، تهران، انتشارات سمت، پاییز ۸۸.
۲۵. همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش دکتر بهمن کریمی، ج ۲، انتشارات اقبال، ۱۳۳۸.

# Investigating the Legal Foundations and Criminology of Pursuing Suspension Organization in the New Law of Criminal Procedure

Alireza Sayebani<sup>1</sup>, Mehran Sadeghi<sup>2</sup>, Sadegh Sadeghi<sup>3</sup>, Jaber Nezafat<sup>4</sup>

<sup>1</sup> faculty member, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch

<sup>2</sup> PhD student of criminal law, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch

<sup>3</sup> PhD student of criminal law, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch

<sup>4</sup> Interrogator, PhD student of criminal law, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch

---

## Abstract

Suspending criminal prosecution is an important issue that always causes concern for experts and those involved in the criminal issues. This is because criminal prosecution is related with freedoms rights and public order and safety, and judiciary's inappropriate attempts in delaying the criminal prosecution are incompatible with the rights of the victim and criminal justice and lead to disturbing public order and security as well. On the other hand, unjustified and wasteful criminal prosecution in the traditional way is incompatible with penal policy of correcting and training and it will jeopardize the rights and freedoms. Today criminal justice system recourse to social backlash have adopted leniency because of the ineffectiveness of traditional and strict punishment with application of criminology new findings. Pursuing suspension is one of these reactions. Undoubtedly, correct applied of the provisions of this organizations can have beneficial results such as reducing government spending, preventing recidivism, reforming the perpetrators of the crime and reducing criminal population.

**Keywords:** Pursuing Suspension, Penal Policy of Correcting and Training, Diversion, The New Law of Criminal Procedure.

---